

باز تعریف محیط و خدمات مراکز اطلاع‌رسانی

دکتر جعفر مهاد¹

مراکز اطلاعات علمی، سازمانهایی هستند که از دل پیشرفتهای حاصل در علوم رایانه و ارتباطات راه دور سر برآورده‌اند. هر جا دو پدیده اخیر وجود دارد، مراکز اطلاعات علمی بساط خود را به سرعت باد پهن می‌کنند، و به کار سازماندهی و اشاعه دانش می‌پردازند. جامعه علمی، هیچ تشکیلات دیگری برای این امر مهم و حیاتی ابداع نکرده است. مراکز اطلاعات علمی، محل ساماندهی و اشاعه اطلاعات مهم علمی، اقتصادی و اجتماعی است. بدون این مراکز، امکان نداشت علم، فناوری و اجتماع، تا این حد رشد کنند. مراکز اطلاعات علمی، همچون آهن‌ریبا اجتماعات علمی را خواسته یا ناخواسته، به خود جذب می‌کنند و دانشمندان و پژوهشگران دیگر نمی‌توانند آنها را نادیده بگیرند.

بسیاری از متخصصان علم اطلاعات معتقدند برای دریافتن اینکه چرا مراکز اطلاع‌رسانی علمی به عنصری بنیادی تبدیل شده‌اند، باید به سراغ مفاهیم و کارکردهایی رفت که فقط در مراکز اطلاع‌یابی یافت می‌شود؛ مانند کارکنان متخصص، پایگاه‌های اطلاعاتی تخصصی و تمرکز و تراکم اطلاعات در سیستمهای اطلاعاتی. آنها فکر می‌کنند هر مرکز اطلاع‌رسانی که کارکنان متخصص داشته باشد و تمرکز و تراکم اطلاعاتی‌اش بیشتر باشد، مسلماً کاربران بیشتری خواهد داشت و از کتابخانه‌های سنتی و سایر سیستمها برتر است. دلیل این امر هم بسیار روشن است: شبکه‌ها و سیستمهای اطلاع‌رسانی نوین، تعداد بیشتری از استادان و دانشجویان را - که طالب اطلاعات هستند - به خود جذب می‌کنند. کارکنان این مراکز، می‌توانند بر مفاهیم مختلفی تأثیر بگذارند.

به واقع، عقلانی نیست که مراکز اطلاعات علمی را برای عامه مردم و یا استفاده کاربران در یک منطقه خاص تعریف کنیم. سیستمها و شبکه‌های اطلاعات علمی، تخصص‌محورند و به جامعه متخصصان در گستره‌های وسیع جغرافیایی خدمت می‌کنند. شکی نیست که تفاوت مراکز اطلاعات علمی، فقط شامل تبدیل محیط کتابخانه‌های سنتی به محیط استفاده از این مراکز نیست، بلکه متضمن تغییر شیوه مدیریت اطلاعات، شیوه تعامل بین کاربر و کارکنان و بسیاری موارد مهم دیگر است. اهمیت مراکز اطلاع‌رسانی علمی، صرفاً با تعداد جمعیت کاربران سنجیده نمی‌شود، بلکه تغییر سبک فکری کارکنان و کاربران، نحوه استفاده و شیوه‌های علمی درک نیاز طالبان اطلاعات هم اهمیت دارد.

۱. استاد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شیراز.

مجموعه این عوامل، عمق تفاوت کتابخانه‌های سنتی و مراکز نوین اطلاع‌رسانی را آشکار می‌سازد و معنایی اساسی به مراکز اطلاع‌رسانی می‌دهد. نکته این است که نباید شیوه استفاده از مراکز اطلاعات علمی را که بیشتر از طریق شبکه به کاربران اطلاعات می‌رساند، با شیوه سنتی دسترسی به منابع اطلاعاتی در کتابخانه‌ها، برابر دانست.

در این صورت، تعداد استفاده‌کننده در تعریف مراکز اطلاع‌رسانی و اصل مطلب، به سطح کیفی استفاده‌کنندگان، ضرورت دسترسی سریع به اطلاعات مرتبط عاملی ثانوی، و تغییر در شیوه استفاده، تفکر و تعامل افراد درگیر از این مراکز مربوط است.

حتی بین مراکز اطلاع‌رسانی، از نظر منظر سنخ‌شناسی، تفاوت‌های ماهوی وجود دارد. بیان این تفاوت‌ها در یک تعریف دقیق و علمی از این مراکز، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا برای مثال یک مرکز اطلاع‌رسانی صنعتی به طور قطع، از لحاظ ترکیب جمعیت استفاده‌کننده، با یک مرکز اطلاع‌رسانی فرهنگی، یا مرکزی که شغل اصلی استفاده‌کنندگان آن را با موضوعات زیست - پزشکی تشکیل می‌دهد، یا مرکزی که در یک دانشگاه تحقیقاتی جامع قرار دارد، تفاوت‌های اساسی دارد. تاکنون، هیچ کدام از متخصصان علم اطلاعات نتوانسته‌اند تعریفی جامع از مرکز اطلاع‌رسانی علمی ارائه کنند که تمامی موارد فوق را در بر گیرد.

مسئله اساسی علم اطلاعات، کشف کنش‌های کاربران خاصی است که در محل کار یا زندگی، به صورت مجموعه افرادی ناهمگون، از مراکز اطلاع‌رسانی علمی استفاده می‌کنند؛ البته باید در نظر داشت که استفاده از اطلاعات برای حل مسائل پژوهشی در مکان‌هایی که شرایط، فراهم‌تر است، بیشتر خواهد بود؛ بنابراین، هرچه تراکم اطلاعاتی، بیشتر و جمعیت استفاده از مراکز اطلاع‌رسانی، ناهمگون‌تر باشد، ضرورت توجه به خصوصیات کاربران، بیشتر و بارزتر خواهد بود. این نکته بویژه هنگامی چالش‌برانگیزتر می‌شود که میزان پذیرش در بسیاری از نهادها و افراد در مراکز اطلاع‌رسانی، فراتر از چیزی است که در اصل، به خاطر آن به وجود آمده‌اند. نمونه‌های آشکار این وضعیت، در مراکز اطلاع‌رسانی کشور - چه مراکزی که در سال‌های دورتر تأسیس شده‌اند و چه آنها که در سال‌های اخیر به وجود آمده‌اند - قابل مشاهده است. با این همه، می‌بینیم این مراکز، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند؛ در حالی که شیوه فعلی استفاده از این مراکز با علل اصلی وجودی آنها مغایر و بیگانه است.

جالب است که بخش عظیمی از کارکنان این مراکز با همان اندوخته‌های نظری و علمی دیروز، در این مراکز فعالند و متأسفانه دانش آموختگان جدید نیز که باید همچون خونی تازه در رگ‌های این سازمانها به جریان افتند، به دانش نظری و علمی امروزی به تناسب این مراکز، تجهیز نشده‌اند. اکنون که کمیته برنامه‌ریزی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، پس از سالها وقفه دوباره فعالیت خود را آغاز کرده، شایسته است در بررسی‌های مربوط به علم اطلاعات تنها به تغییر نام درسها یا شرح آنها بسنده نشود. انتظار آن است که در مباحث نظری و علمی درسها به ویژگی‌های خاص این مراکز و مشخصه‌های حرفه‌ای، شغلی، زندگی فرهنگی و دانش و بینش کاربران، - که خیلی متنوع‌تر از کاربران کتابخانه‌های سنتی هستند - توجه شود و برای هر بخش از نیازهای علمی کاربران، با توجه به برنامه پنج ساله چهارم و سند چشم‌انداز بیست ساله، سیستم‌های اطلاعاتی مربوط، تعریف شوند.